

بازنمایی جایگاه حضرت امام رضا علیه السلام در فرهنگ مردم ایران؛ آیین‌ها و نمادها

سویل ماکویی^۱

چکیده

فرهنگ دینی در ایران ریشه در اعتقاد به تشیع و امامت ائمه اطهار علیهم السلام دارد و بخش عظیمی از فرهنگ عمومی را دربرمی‌گیرد. در این میان فرهنگ مردم (عامه) نیز از این سرچشمه بی‌نصیب نمانده است. بررسی آیین‌ها و سنت‌های دینی علاوه بر آن که پیوند ما را با گذشته مشخص می‌کند، اعتقادات و باورها را گسترش می‌دهد و عمق می‌بخشد. در گذشته، آیین‌ها و سنت‌های مختلف، با شکوه بسیار انجام می‌گرفت و مردم خود را مقید به انجام همه آداب می‌دانستند. کارکرد این آیین‌ها کاستن از روزمرگی، هویت‌بخشی، همبستگی، انسجام، ایجاد امید و شادی‌بخشی بود.

علاوه بر آیین‌ها، نمادها نیز در گسترش معنا و مفهوم یک آموزه دینی و عمومی کردن آن

در میان نسل‌های جدید نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این مقاله آیین‌ها و نمادهای مربوط به حضرت امام رضا علیه السلام و جایگاه ایشان در فرهنگ مردم نمایانده شده است. حضور حضرت امام رضا علیه السلام در خاک ایران منشأ آداب و سنن بسیاری است که همگی آنها می‌توانند فرصتهایی را برای گسترش معنویت در جامعه امروز فراهم کنند.

وجود احساسات و فهم دینی و آیینی و نمایش آن از رسانه، مخاطبان بسیاری را به این گونه برنامه‌ها جذب می‌کند. زیرا پرداختن به مناسک آیینی و دینی به مثابه منبعی سرشار از معنویت می‌تواند به تولید برنامه‌های زیبای رسانه‌ای منجر شود.

رسانه‌ای شدن یا زیباسازی رسانه‌ای مناسک موجب تحول در شیوه انتقال و دریافت این نوع پیام‌ها می‌شود. در واقع، پرداختن به آداب و سنن دینی مناطق مختلف کشور می‌تواند ضمن تولید برنامه‌های جذاب و مخاطب‌پسند، برنامه‌های دینی و مذهبی رسانه را متحول کرده و افق جدیدی را در پخش این گونه برنامه‌ها ایجاد کند.

کلیدواژه‌ها: امام رضا علیه السلام، زیارت حرم امام رضا علیه السلام، آیین‌های زیارت، چاووشی‌خوانی،

آستان قدس رضوی

مقدمه

هویت هر قوم و ملتی به صورتی کاملاً در هم تنیده با گذشته و میراث گذشتگان خویش گره خورده است. یکی از عوامل هویت بخش، آیین‌های دینی هستند که بدون آنها منظومه هویتی شکل نمی‌گیرد و کامل نمی‌شود. مراسم و آیین‌های دینی وسیله اجرای آموزه‌ها و دستورات دینی و مذهبی در هر جامعه‌ای هستند. این آیین‌ها با نوع خاصی از گفتار و اعمال، جلوه‌گاه احساسات دینی و مذهبی می‌باشند و به دلیل قدمت زیاد در اغلب موارد با سنت و تاریخ مردمان یک منطقه پیوند خورده‌اند و به جزئی از فرهنگ مردم تبدیل شده‌اند.

مناسک و آیین‌های دینی انسان را از روزمرگی مادی نجات داده و عطف و همدردی را میان افراد جامعه افزایش می‌دهند که این رفتار باعث تحول و تغییر مثبت و خلاقانه در جامعه می‌شود. این آیین‌ها در جمع‌گرایی و وحدت اجتماعی نیز نقش دارند. اجتماع افراد جامعه در یک مکان و برای یک هدف معنوی، نیروی عظیمی برای پیشبرد اهداف دینی در جامعه محسوب می‌شود. در کنار آیین‌ها، نمادها قرار دارند که به گسترش معنا و مفهوم یک آموزه دینی و عمومی کردن آن در میان نسل‌های جدید نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. نمادها به ماندگاری یاد و خاطره یک آموزه مذهبی و دینی کمک می‌کنند و باعث تداوم آن در زندگی روزمره می‌شوند.

این مقاله با پرداختن به آیین‌ها و نمادهای مربوط به حضرت امام رضا علیه السلام به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که امام رضا علیه السلام چگونه در فرهنگ عامه مردم بازنمایی و مطرح می‌شود؟ مطالعه این موضوع جایگاه رفیع این امام همام را در میان ایرانیان نشان می‌دهد. در این مقاله آیین‌های آغاز سفر مانند چاووشی خوانی، نصب علم، نذرها، جاسبزی و سوغاتی‌ها و نیز نمادهای مربوط به حضرت امام رضا علیه السلام بررسی شده‌اند.

بخش اول: آیین‌های زیارتی

عزیمت به مشهد به قصد زیارت بارگاه حضرت امام رضا علیه السلام بویژه در گذشته همراه با تشریفات و مناسک گوناگونی انجام می‌گرفت. دلایل سفر، نحوه عزیمت و آمادگی، شیوه‌های اطلاع‌رسانی، وظایف خانواده پس از عزیمت مسافر، نذرها و چگونگی استقبال از زائرین از جمله مناسکی بوده که با تشابه‌ها و تفاوت‌هایی در اغلب مناطق کشور اجرا می‌شد. اگر معنای عام زیارت «سفر به اماکن مقدس به قصد

کسب فضیلت معنوی، استغفار یا شکرگزاری» (برنز، ۱۳۸۵: ۱۴۲) باشد زیارت بارگاه امام رضا علیه السلام در میان مردم ایران علاوه بر ویژگی‌های فوق‌واحد مؤلفه‌های دیگر نیز هست: تبرک جستن، توسل کردن، پناهگاه بودن و نوعی کسب احترام و اعتبار هم بوده و هست زیرا به طور کلی امامت در فرهنگ سیاسی اسلام، یک استراتژی است که امت اسلامی را در تشکلی شکوهمند و مؤمنانه قرار



می‌دهد. مطالعه اشعار چاووشی مناطق مختلف کشور نشان می‌دهد که بیشترین دلیل مردم برای عزیمت به مشهد «قصد قربت و کسب فضایل معنوی» بود و شکرگزاری، تبرک جستن و توسل کردن دلایل بعدی زیارت را تشکیل می‌داد.

یک سفر زیارتی دارای مراتب خاص مناسک گذار مانند آغاز سفر، خود سفر، اقامت در زیارتگاه یا مکان مقدس و بازگشت می‌باشد. (همان) اگر به همین ترتیب سفر زیارتی مشهد مقدس مورد بررسی قرار گیرد، آیین‌های گوناگونی در هر مرتبه نمایان می‌شود. بررسی اسناد فرهنگیاران در طول چهار دهه نشان می‌دهد که آغاز سفر و هنجارهای فرهنگی پس از آن

بیشتر مورد توجه مردم بود. همچنین آیین‌های بدرقه، نذرها، وظایف خانواده در طول سفر زائر و ویژگی سوگاتی‌ها از مهم‌ترین بخش‌های این سفر در میان مردم بود.

۱. آغاز سفر

نقطه آغازین سفر را باید در دلایل تصمیم برای سفر جستجو کرد و اگر سفر زیارتی باشد دلایل مختلفی را می‌توان برای آن ذکر کرد. همچنان که پیشتر آمد اصولاً زیارت به دلایل مختلفی انجام می‌پذیرد: فردی که به یک سفر زیارتی می‌رود نخست جهت ادای یک فضیلت گام برمی‌دارد؛ این فرد خود را موظف می‌داند تا در قبال باورداشت‌های معنوی خود قدمی بردارد و عملی انجام دهد. در واقع این نفس «حرکت» به سمت اماکن مذهبی به نوعی بیانگر ایجاد قربت بین مؤمن با معبود است. مؤمن با رفتن به زیارتگاه گویی خود را به آن «نور قدسی» نزدیک‌تر می‌بیند و به این دلیل است که رسیدن به زیارتگاه با بی‌تابی، هیجان و شور همراه می‌شود. از آداب و آیین‌هایی که برای این بخش می‌توان ذکر کرد همان اقدام به حرکت و سفر به مشهد مقدس است. با توجه به این که در گذشته سفرها به سختی انجام می‌گرفت و مدت زمان زیادی هم طول می‌کشید ناگفته پیداست که زائران چه مشقتی را برای رسیدن به آستان مقدس امام رضا علیه السلام تحمل می‌کردند. بنابراین بسیاری از افراد، سفرهای طولانی و پرخطری را برای خود تدارک می‌دیدند تا بلکه بتوانند با این حرکت، ثواب معنوی بیشتری بدست آورند. پس از نیت و تصمیم به سفر، فراهم کردن مقدمات فرا می‌رسید؛ هزینه سفر، توشه راه و ادای برخی رسوم که قبل از عزیمت مسافر باید تهیه و انجام می‌گرفت از جمله این مقدمات بود.

در گذشته زمانی که فردی تصمیم می‌گرفت به سفری زیارتی برود، دیگران را باید از این قصد خود آگاه می‌کرد. نبود وسایل ارتباطی و کوچک بودن جوامع، نمادها و نشانه‌هایی را جهت آگاه ساختن خویشان و دوستان ایجاد کرده بود؛ به عبارت دیگر مردم با دیدن یا شنیدن آن نشانه‌ها متوجه سفر زیارتی خویشان، دوستان و همسایگان می‌شدند. چاووشی‌خوانی،

نصب علم، بستن شال به گردن توسط مردان و شال یا روسری سفید از روی چادر برای بانوان و دعوت گرفتن خویشان و آشنایان برای صرف شام از جمله نشانه‌های رفتن به سفر زیارتی بود.

الف) چاووش خوانی

چاووش واژه‌ای ترکی و به معنای جارچی، پیک و پیشرو کاروان می‌باشد. بر همین اساس چاووش خوان به فردی اطلاق می‌شد که مردم را برای رفتن به زیارت دعوت، تحریک و تحریض می‌کرد. گاهی این فرد ظاهر خاصی داشت یعنی کلاه سه گوش سبز رنگ به سر می‌گذاشت و با کشکول و تبرزین در کوچه‌ها راه می‌رفت و چاووشی می‌خواند و گاهی فردی بود که صدای رسایی داشت و اشعار چاووشی می‌خواند. اشعار چاووشی خوانی بیشتر درباره فضیلت‌های زیارت بود. در این اشعار گاهی رفتن به پابوس امام رضا علیه السلام چنان سوزناک تصویر می‌شد که هر فردی با شنیدن آن آرزوی زیارت می‌کرد و اگر خود، مسافر نبود عزم می‌کرد که در آینده‌ای نزدیک جهت



زیارت به مشهد مقدس برود. در واقع درون‌مایه این اشعار نوعی ترغیب به بازگشت به «خویشتن خویش» و «جستجوی گمشده»، «یافتن آن دگر قدسی» و «پیوند با نور الهی» بود. مفاهیم و معانی موجود در این دسته از اشعار چند موضوع داشتند:

اغلب اشعار چاووشی در قالب مفهوم «غربت» و جدایی از مأوا و منشأ بیان شده است. این

موضوع ریشه در دوری حضرت از زادگاه و بستگان دارد و به این دلیل نوستالژی غربت را در انسان آشنا بیدار می‌کند و با همذات‌پنداری، حزن این جدایی در او نیز ایجاد می‌شود. امامان علیهم السلام در فرهنگ تشیع بر اساس قاعده «لطف» بر مردم وارد شده‌اند. این قاعده لطف برای کسانی که به زیارت و دیدار می‌آیند، افزون می‌شود. تصویر و تصور «غربت زایر» به دلیل «غربت امام» آرامش بیشتری می‌گیرد و زایر با نزدیک شدن به امام، با «خویشستن خویش» همدردی می‌کند و سبک‌بال می‌شود.

تویی که در دو جهان ضامن «غریبانی»
که هم «غریبی» و درد «غریب» می‌دانی
تویی «غریب»، تویی «بی‌کس»، تویی تنها
تویی «غریب» خراسان، تویی امام رضا

(معلمی، برازجان، ۱۳۸۸)

در این چاووشی هم «غربت زایر» در نهایت به رضایت و آرامش ختم می‌شود. زیرا امام خود غریب است و درد غریبان را می‌داند و خود «رضا» ست و می‌داند چگونه این غم غربت را تسکین دهد.

«غریب» گرچه به «غربت» رضا دلش تنگ است
از توس تا به مدینه هزارها فرسنگ است
«غریب» گرچه به «غربت» میان چمن است
همین که شام شود ذکر آن «غریب» وطن وطن است
«غریب» گرچه به «غربت» گلزار است
همین که شام شود آن «غریب» بیمار است

(خدای، اقلید، ۱۳۵۶)

هر کدام از این واژه‌ها بیش از آن که معطوف به غربت امام رضا علیه السلام باشد معطوف به غربت

زایر است، غربت در این دنیا، سوز غربت امام که گریبان‌گیر میزبان است و غم شهادت امام در این سرزمین که بر دوش زایران ایرانی سنگینی می‌کند همگی در پس این واژه‌ها پنهان شده‌اند. برخی از اشعار هم، نهایت علاقه و شیفتگی زایر را به آن بارگاه قدسی نشان می‌دهند و چه هدیه‌ای می‌تواند این عشق را تصویر نماید جز نثار جان و تن:

یا شاه رضا جان به فدای کرم
قربان کبوتران دور حرمت
با دانه بلای زائران می‌چینند
محروم کجا شود کسی از کرم

(لونی و میری، الیگودرز، ۱۳۸۸)

در این اشعار، نمادهای مربوط به امام به زیباترین شکلی تصویر می‌شوند: خراسان، طوق علم، کبوتران حرم، ایوان طلا، بارگاه، حرم، دانه انگور، روضه پرنور و دل پردرد بی‌دوا که همگی نمادهایی استعاری از امام هستند. نکته دیگر در مورد کارکرد هر کدام از این نمادهاست که چاووشی‌خوان به زیباترین شکل آن را در ذهن مخاطب نقاشی می‌کند مثلاً کبوتران حرم را که دانه می‌چینند و نوک بر زمین می‌زنند به صورت دانه‌چینی تصویر می‌کند که رنج و درد زایران را می‌چینند و آنها را به دستور امام بر جان می‌خرند.

در بازگشت زایرین از زیارت، مراسم چاووشی‌خوانی مجدداً انجام می‌شد اما لحن و آهنگ اشعار چاووشی در بازگشت زایران تغییر کرده و لحن شادتر و امیدوارانه‌تری به خود می‌گرفت؛ گویی مشتاق به آمال خویش رسیده، بر آستانش رخ ساییده و اینک با قلبی آرام و تسکین یافته به خانه بازگشته است. غربتش و اندوه جدایش تسلی یافته، آرزوهایش برآورده شده و حاجاتش را گرفته، به شفاعت و شفا امیدوار گشته، گناهانش بخشیده شده و بالاخره عاشق، معشوق را دیده و به وصالش رسیده است. پس با قلبی مالا مال از شادی و غرور بازمی‌گردد:

هر طواف از مرقد شاه رضا کردیم ما

ای رفیقان وطن یاد از شما کردیم ما

(طاهرنیا، مراغه، ۱۳۸۸)

ب) نصب علم، بستن شال و روسری و دعوت گرفتن

علاوه بر چاووشی که نوعی «جارزدن» و اطلاع دادن بود، نشانه‌های دیگری هم برای مطلع شدن خویشان و دوستان وجود داشت. یکی از آن نشانه‌ها نصب علم بر در منزل فرد زایر بود. مردم با دیدن علم به پرس و جو از منزلی که علم نصب شده بود می‌پرداختند و از تاریخ عزیمت زایرین مطلع می‌شدند. «معمولاً علم‌ها سبز رنگ و سه گوش بودند و پایه‌های آنها از جنس نی بود و به طور متوسط ۷۵ سانتی‌متر طول داشت. این علم‌ها سر در خانه فرد زایر و خویشان نزدیکش نصب می‌شد و به هر خانه دو علم می‌دادند. این علم‌ها را پس از بازگشت زایر به خانه هم بر نمی‌داشتند و آنقدر می‌ماندند تا می‌پوسیدند.» (امانی، بهبهان، ۱۳۵۲)

بستن شال و روسری نشانه دیگری بود که افراد با دیدن آن، به فرد زایر تبریک می‌گفتند و از او می‌خواستند تا برایشان دعا کند یا حاجتی را بطلبد.

معمولاً مردان شال‌هایی به رنگ سبز یا زرد (صادقی، صغاد شیراز، ۱۳۵۰/ کریمی، آباده، ۱۳۴۷)، سیاه (مهدوی، میبد، ۱۳۵۲) یا هفت رنگ (صابر، اقلید، ۱۳۸۸) به گردن می‌بستند و تا زمان بازگشت آن را باز نمی‌کردند. این شال‌ها در طول سفر و هنگام حضور در حرم با زایر بود، بنابراین متبرک می‌شد و اغلب زایران، آن را چون کالایی گرانبها نگه می‌داشتند یا به کسی که بسیار طالبش بود، می‌دادند. زنان هم از روی چادر یک روسری سفید به سر می‌کردند (طاهرنیا، مراغه، ۱۳۸۸) یا روی چادر سیاه رو بند سفید می‌انداختند. (مهدوی، میبد، ۱۳۵۲) این رنگ‌ها و تفاوت بین آنها احتمالاً معانی مختلفی را متبادر می‌کرد.

۲. نذرها و نیازهای زیارت‌کنندگان

مردم برای «تبرک جستن» و نیک‌بختی از زایران می‌خواستند تا کاری برایشان انجام دهند؛ یعنی وقتی از عزیمت زایری آگاه می‌شدند معمولاً نذرها و نیازهای خود را با او همراه می‌کردند. مثلاً اگر مادر در انتظار فرزند، خواهان فرزند پسر بود، یک پیراهن پسرانه می‌دوخت و به زایر می‌داد و از او می‌خواست این پیراهن را به ضریح بکشد تا متبرک یا پریو «parpo» شود. خانواده‌هایی که دختر دم‌بخت داشتند به زایر پول می‌دادند تا از مشهد به عنوان تبرک برای دخترشان بقیچه حمام (سفرنی) بیاورد. (یدایی، همدان، ۱۳۸۸) زنان آرزومند فرزند هم‌روسی یا پیراهن خود را به زایر می‌دادند تا هنگام زیارت آن را به ضریح بکشد و برای برآورده شدن آرزویشان دعا کند. (صفوی، تاکستان، ۱۳۸۸) مادرانی که می‌خواستند برای پسرانشان همسری برگزینند یک «شال قرمز» توسط زایر برای تبرک می‌فرستادند. (قره‌داغی، بیجار، ۱۳۸۸) روشن کردن شمع (صمدی، مسجد سلیمان، ۱۳۴۷) و انداختن پول، طلا و نقره داخل ضریح از طرف فرد نیازمند از دیگر نذرهایی بود که معمولاً مردم از زایران می‌خواستند تا به جای آنها ادا نمایند. این نوع ویژه ارتباط مردم با زایران بیشتر مخصوص جامعه زنان بود و مردان کمتر در این حوزه حضور داشتند.

علاوه بر اطرافیان، خود زایران نیز نذرهایی را در مشهد ادا می‌کردند. گاهی ادای این نذرها و نیازها دلیل مسافرت مشهد و زیارت بارگاه حضرت امام رضا علیه السلام بود. مثلاً برخی نذر می‌کردند اگر گره کارشان گشوده شود برای کبوتران حرم گندم بخرند. آنها بعد از پاشیدن گندم مقداری از آن را به عنوان امانت برمی‌داشتند و از خداوند می‌خواستند تا سال دیگر هم زیارت را نصیبشان کند تا این گندم‌ها را با مقدار بیشتری برای کبوترها بریزند. (طاهرنیا، مراغه، ۱۳۸۸) همچنین برخی از کشاورزان از گندم‌های روی زمین که برای کبوترهای حرم پاشیده شده بود یک مشت برمی‌داشتند و آنها را در گونی‌های گندم زمین خودشان می‌ریختند یا روی زمین کشاورزی می‌پاشیدند (ابن‌علی، کاشان، ۱۳۸۸) تا خداوند به

محصولشان به واسطه وجود گندم‌های حرم امام رضا علیه السلام برکت دهد. عده دیگری از کشاورزان هم نذر می‌کردند که اگر مثلاً برداشت امسالشان پر بار باشد به مشهد بروند و قفل ضریح را بگیرند و شمع روشن کنند (طاهرینیا، همان) یا نذرهایی از این قبیل که مربوط به خود زایر بود و گاهی دلیل سفر زیارتی محسوب می‌شد.

از جمله آرزوهای زیارت‌کنندگان بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام، تماشای آیین‌های باشکوهی است که در موقعیت‌ها و زمان‌های خاصی در آستان قدس رضوی انجام می‌پذیرد. **آیین‌های ویژه بارگاه رضوی:** در بارگاه رضوی تشریفات و آیین‌های خاصی وجود دارد که روزانه یا در مناسبت‌های مختلف توسط خدام انجام می‌شود. تماشای این آیین‌ها به شدت مورد علاقه زایران است:

۱. آیین غبارروبی: یکی از پرشکوه‌ترین مراسم در حرم مطهر است که چند نوبت در سال هم زمان با اعیاد مذهبی مانند عید سعید فطر یا میلاد ائمه اطهار علیهم السلام برگزار می‌شود. برای انجام این مراسم، در روز و ساعتی معین حرم را قرق می‌کنند و سپس در ضریح توسط تولیت آستان باز می‌شود. نذورات مردم اعم از طلا، نقره و پول در کیسه‌های مخصوص به خزانه منتقل می‌شود. آنگاه درون ضریح با عطر و گلاب شست و شو می‌شود.

۲. مراسم صافه: همه روزه در دو نوبت، نیم ساعت قبل از طلوع آفتاب و بلافاصله بعد از نماز مغرب و عشاء توسط خدام و فراشان کشیک روز در «دارالحفاظ» یا «دارالسلام» برگزار می‌شود. در این مراسم علاوه بر تلاوت قرآن کریم، مدیحه ۱۴ معصوم یا دوازده امام علیهم السلام از منشآت خواجه نصیرالدین طوسی نیز خوانده می‌شود. برای برگزاری این آیین زیبا، ابتدا مقدمات مراسم توسط فراشان در مکان خاص انجام می‌شود. پس از آن تعداد چهارده رحل و لاله و قرآن آورده شده و در دو طرف رواق قرار داده می‌شود.

۳. خطبه شب شهادت: این مراسم در شب عاشورا و شب شهادت حضرت امام رضا علیه السلام در صحن انقلاب اسلامی توسط خدام برگزار می‌شود. این مراسم نیز از باشکوه‌ترین آیین‌هایی

است که در حرم مطهر انجام می‌شود. در این شب‌ها، مراسم با سخنرانی یک نفر از وعاظ شروع می‌شود. پس از ذکر مصیبت، مدعوین به صحن انقلاب اسلامی که پیش از آن، دور تا دور آن خدمه با شمع‌هایی در دست ایستاده‌اند، وارد می‌شوند. پس از آن حفاظ با در دست داشتن لاله و شمع روشن، با حال حزن و اندوه و با لباس خدمت، دسته‌جمعی از مقابل خدمه و سایر مدعوین عبور و به مناسبت آن روز خطبه‌خوانی می‌کنند.

۴. مراسم شام غریبان: شام غریبان از مراسم باشکوهی است که بعد از انقلاب اسلامی در حرم مطهر اجرا می‌شود. این مراسم در دو شب از شب‌های سال یعنی شب‌های بعد از شب شهادت حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت امام رضا علیه السلام برگزار می‌شود. در شب بعد از شهادت و بعد از نماز مغرب و عشاء که شام غریبان نام دارد، تمام خدمه آستان قدس جمع می‌شوند. ۱۴ نفر از دربانان با در دست داشتن لاله‌هایی در دو طرف حرکت می‌کنند. خدام، فراشان، دربانان و کفشداران با شمع‌های روشن در دست در صف‌های مرتب نواهای حزن‌انگیز می‌خوانند و به طرف حرم حرکت می‌کنند. پس از ورود به صحن جمهوری اسلامی و استقرار در محل‌های از پیش تعیین شده که با نرده مشخص می‌شوند به محضر حضرت امام رضا علیه السلام تسلیم می‌گویند و مراسم پس از مداحی مداحان اهل بیت علیهم السلام پایان می‌یابد.

۵. آیین گل‌آرایی: براساس یک سنت دیرینه هر روز صبح گل‌های روی ضریح توسط سرکشیک خدام تعویض می‌شود. هر روز صبح قبل از ساعت ۸، چهاردسته گل بسیار زیبا در چهار گوشه بالای ضریح مطهر قرار می‌گیرد و گل‌های روز قبل به فراشان تحویل می‌شود. گل‌های جمع‌آوری شده از روی ضریح توسط فراشان همراه با زیارت‌نامه مخصوص حضرت امام رضا علیه السلام بسته‌بندی می‌شود و این بسته‌ها هر روز صبح طی مراسم خاصی در محل دارالقرآن آستان قدس رضوی واقع در صحن جمهوری اسلامی حرم مطهر به عنوان تبرک به زائرین اهدا می‌شود.

۶. آیین نقاره نوازی: در طول سال، به غیر از محرم و صفر و ایام سوگواری، دو بار در

شبانه‌روز نقاره زده می‌شود. زمان نقاره‌نوازی، دقایقی پیش از طلوع و غروب آفتاب است و در آن طبل و کرنا با آهنگ خاصی نواخته می‌شود و با نواختن آخرین ضربت، طلوع و غروب خورشید اعلام می‌گردد. در عیدهای مذهبی، میلاد معصومان علیهم السلام و همچنین هنگام بروز کرامات نقاره به صدا درمی‌آید. (ظریفیان، ۱۳۸۷: تلخیص عناوین)

۳. آیین‌های جا سبزی

در گذشته زیارت بارگاه حضرت امام رضا علیه السلام چندین روز طول می‌کشید و در این مدت افراد خانواده زایر باید کارهایی انجام می‌دادند. نخست، برای استقبال از زایر آماده می‌شدند و دوم، برای در امان ماندن از خطرات سفر و به سلامت برگشتن زایر آیین‌هایی را به جا می‌آوردند.

- آمادگی برای استقبال از زایر: خانواده‌ها معمولاً پس از بازگشت زایرشان تا ۳ روز مهمان‌داری می‌کردند و اقوام و خویشان برای دیدار با زایر و زیارت قبولی به خانه زایر می‌رفتند. در گذشته، این سفر روزها به طول می‌انجامید و این زمان فرصتی در اختیار خانواده زایر می‌گذاشت تا بتواند مراسم استقبال را بهتر انجام دهد. یکی از کارهایی که در این دوره انجام می‌گرفت سفیدکاری اتاق‌ها و منزل بود. (فرجی، خلخال، ۱۳۵۶) اصولاً انجام سفیدکاری و پاکیزه کردن و آراستن منزل در ایام عید و اوقات شادی انجام می‌گرفت و این عمل نشان می‌دهد که نفس برگشت از زیارت مشهد مقدس در برخی مناطق سنتی شادی آفرین و عیدگونه بوده است.

- آیین‌هایی که برای به سلامت برگشتن زایر انجام می‌شد: یکی از متداول‌ترین و رایج‌ترین آیین‌ها که برای به سلامت برگشتن زایر انجام می‌شد، پختن آش بود. بررسی اسناد و گزارش‌های فرهنگ‌یاری نشان می‌دهد که در تمام مناطق این آش آیینی پس از مسافرت زایر طبخ می‌شد. معمولاً به این نوع آش، «آش پشت پا»، «آش پس پا» یا «پس‌سر» (حوزه فرهنگی

جنوب کشور)، «آش سفر» (محبی، زنجان، ۱۳۵۵) «یولا آشی» (اخوان، همدان، ۱۳۸۸) و «آش برگ» (خسرویان، اصفهان، ۱۳۴۸) هم گفته می‌شد. در اغلب مناطق، این نوع آش، آش کشک یا آش رشته بود اما در مناطقی از کشور و با توجه به ویژگی‌های زیستی و جغرافیایی؛ این آش، آش دوغ (عمادی، گرگان، ۱۳۴۸ / محبی، زنجان، ۱۳۵۵) یا ترش بود.

۴. سوغاتی

یکی از سنت‌های متداول بازگشت از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام، آوردن سوغاتی بود که امروزه نیز رایج است. «تبرک جستن»، مهم‌ترین ویژگی آوردن سوغاتی است. معمولاً زایر پس از خرید سوغاتی آن را با کشیدن به ضریح متبرک می‌کند.

معمولاً دو شیوه برای هدیه دادن سوغاتی وجود داشت؛ به این صورت که یا سوغاتی‌ها را در منزل زایر و هنگام دیدار می‌دادند یا به در منزل دوستان و خویشان می‌فرستادند. دادن سوغاتی در منزل به شکل‌های متنوعی انجام می‌شد. مثلاً در سنگسر سمنان، «سفره بزرگی» را وسط مجلس پهن می‌کردند و شیرینی‌ها را وسط و سوغاتی‌ها را در چهار گوشه سفره می‌چیدند. (مصباحی، سنگسر، ۱۳۴۹) گاهی نیز سفره را وسط اتاق پهن می‌کردند و سوغاتی‌ها را داخل چند بشقاب می‌گذاشتند و هنگام خداحافظی محتویات بشقاب‌ها را جلوی مهمان‌ها گرفته و تعارف می‌کردند. (صادقی، صغاد، ۱۳۵۰) در برخی نقاط هم سوغاتی را داخل مجمعه قرار می‌دادند و به مهمانان پیشکش می‌کردند. (محبی، زنجان، ۱۳۵۵)

در برخی مناطق، خانواده زایر سوغاتی را به در منزل دوستان، همسایگان و خویشان می‌فرستاد. به این صورت که سوغاتی را درون دستمال (شفیعی، اصفهان، ۱۳۵۷) یا در نعلبکی (ایران‌پور، مبارکه، ۱۳۴۶) یا در سینی‌های کوچک (مرتجی، ساوه، ۱۳۴۸) می‌گذاشتند و به در خانه خویشان و آشنایان می‌فرستادند. برخی هم معتقد بودند چمدان زایر اصلاً نباید در سه روز اول باز شود. (ایران‌پور، پیشین) رایج‌ترین سوغاتی‌های مشهد که در تمام گزارش‌ها به آنها

اشاره شده است، مهر و تسبیح بود اما معمولاً علاوه بر آنها، نقل، شیرینی، خرما، کشمش، نبات، انگشتر عقیق (فرجی، خلخال، ۱۳۵۶) سوهان، عناب و زیره (صمدی، مسجد سلیمان، ۱۳۴۸)، زرشک و زعفران (پروری، بروجرد، ۱۳۸۸) و لباس (آزادبخت، کوه‌دشت، ۱۳۸۸) به عنوان سوغاتی هدیه داده می‌شد.

یکی از سنت‌های جالب که بیشتر در منطقه شرق کشور رایج بود آوردن سیب قرمز و معطر مشهد توسط زایران بود. در واقع زایران این منطقه، «سیب قرمز» را نماد بارگاه قدسی حضرت امام رضا علیه السلام می‌دانستند. آنها «یکی از سیب‌ها را روی لامپ چراغ لامپا یا چراغ گردسوز می‌گذاشتند و خانه را معطر می‌کردند.» (حاتمی‌کندری، کاشمر، ۱۳۸۸) در روستاهای نیشابور این سیب را وسط سینی می‌گذاشتند و مهمان‌ها آن را برمی‌داشتند، بو می‌کردند و سپس سرجای خودش می‌گذاشتند. (بازوبندی، نیشابور، ۱۳۵۲)

از هدیه‌های بسیار باارزشی که امروزه گاهی زایران با خود می‌آورند، هدایایی است که توسط قسمت‌های مختلف آستان قدس به زایران داده می‌شود. این هدیه‌ها که در بسته‌بندی‌های مخصوص و با مهر «آستان قدس رضوی» مشخص شده‌اند، «هدیه‌های متبرک» نامیده می‌شوند. این هدایا شامل مقداری برنج، نمک، نبات، پارچه سبز و دیگر اقلام متبرک است و زایران هنگام دریافت این هدایا احساس شرف و شادی معنوی می‌کنند. هدیه این سوغاتی‌ها به دوستان و اقوام بزرگ‌ترین و باارزش‌ترین هدیه‌ها محسوب می‌شود.

از سوغاتی‌های دیگر مربوط به حرم حضرت امام رضا علیه السلام، آوردن نان از مهمان‌سرای حضرت است. در واقع، یکی از آرزوهای زائرانی که به مشهد مقدس می‌آیند، آن است که ذره‌ای از غذای حضرت علیه السلام را به نیت تبرک بچسبند. معمولاً افرادی که به این مهم نایل می‌شوند نان این سفره را به عنوان تبرک برای خویشان و دوستان خود هدیه می‌برند.

بخش دوم: نمادهای ماندگار

نماد یا سمبل عبارت است از یک اصطلاح، یک نام یا حتی تصویری که ممکن است نماینده چیز مأنوسی در زندگی روزمره باشد و با این حال، علاوه بر معنای آشکار و معمول خود، معانی تلویحی بخصوصی نیز داشته باشد. نمادها در زندگی انسان، حضوری ماندگار دارند و به نوعی مفاهمه را میان نسل‌ها ایجاد می‌کنند. گنبد طلا، ضامن آهو، کبوتر حرم، نقاره و کلماتی از این دست چه در تصاویر و چه در قالب نوشتار بی آن که اشاره صریح به حضرت امام رضا علیه السلام بکنند همگان را متوجه ایشان می‌سازند. پس این نمادها علایم قراردادی ذهنی غیررسمی‌ای هستند که مفهوم مشترکی را به ذهن متبادر می‌کنند. اگر با این تعریف اسناد و مطالب مرتبط بررسی شوند احتمالاً سه دسته نماد یعنی نمادهای مکانی (مربوط به حرم)، واژگانی و عددی بدست می‌آید.



نمادهای مکانی: گنبد طلا، ایوان طلا، بارگاه، سقاخانه، صحن، حرم، رواق، مناره یا گلدسته، نقاره، ضریح و محراب از جمله نمادهای مکانی هستند. از این نمادها بر روی ماشین‌ها،

پوسترها و پیش زمینه عکس‌هایی که مربوط به امام علیه السلام است و به آن «عکس‌های زیارتی» گفته می‌شود، استفاده می‌گردد.

نمادهای واژگانی: ضامن آهو، غریب، غربت، غریب‌الغربا، کفتر حرم، کبوتر حرم، دارالشفاء، شفاعت‌گاه و خادم از جمله نمادهای واژگانی هستند. این نماد در ترانه‌ها، اشعار، لالایی‌ها، چاووشی‌ها، ماشین‌نگاشت‌ها، دعاها و قسم‌ها دیده می‌شود.

نماد عددی: عدد هشت مهم‌ترین عدد در این مجموعه است. در سفره‌ای که به نام حضرت امام رضا علیه السلام در نایین انداخته می‌شود از ۸ شمع استفاده می‌شود که منظور هشتمین امام، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌باشد. از این نمادها در قالب‌های مختلفی استفاده می‌شود:

– ماشین‌نگاره‌ها

این بخش از ادبیات عامیانه در اصل ادبیات سیاری است که در فرهنگ رانندگان جاده‌ای جایگاه خاصی دارد. در واقع کمتر ماشین‌سنگین جاده‌ای را می‌توان یافت که در قسمت‌های مختلف آن مطلبی نوشته نشده باشد. شاید یکی از موضوعات متداول در این نوشته‌ها، نگاره‌های دینی باشد که خود این موضوع قابل دسته‌بندی به زیر مجموعه‌هایی مانند دعا، توسل، باور و توکل است. بررسی تارنماهایی که ماشین‌نگاره‌ها را ثبت کرده بودند نشان داد بیشترین فراوانی نگاره‌های دینی را «توسل» تشکیل می‌دهد. در بررسی میزان فراوانی نمادهای واژگانی مربوط به امام رضا علیه السلام به نظر می‌رسد پس از دعای فرج، واقعه کربلا و نمادهای مربوط به حضرت علی علیه السلام نمادهای مربوط به این امام همام در مرتبه بعد قرار دارند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «یا امام غریب»، «یا ضامن آهو»، «یا ضامن آهو امان از این هیاهو»، «یا سلطان خراسان»، «یا شاه طوس»، «زائرتم مرا دریاب» و «کبوتر حرم». جدا از این نمادها برخی از این نگاره‌ها مستقیماً به خود امام اشاره می‌کنند مانند «یا امام رضا»، «یا امام هشتم» و «بیمه امام رضا».

- لالایی ها

در گذشته مادران این سرزمین خود خسته از کار و تلاش و روزگاری نه‌چندان موافق، شب هنگام، بدون نوازش کودک سر بر بالین نمی‌گذاشتند. آن‌ها حکایت‌های تلخ و شیرینشان را بر بالین فرزندانشان واگویه می‌کردند تا شاید لبخند آرام دل‌بندشان تسکینی بر ناملایمات زندگی پرفراز و نشیبشان باشد و عجیب این که حتی در این نواهای مادرانه هم رد پای عشق به ائمه اطهار علیهم‌السلام دیده می‌شود. مادران در این نواها، عشق به خداوند و ارادت به ائمه اطهار علیهم‌السلام را در وجود فرزندانشان درونی می‌کردند و این عشق و علاقه همراه با نوازش مادر در عمق وجود مردمان این سرزمین ریشه می‌دواند. در برخی از این نواها ارادت مادر به امام رضا علیه‌السلام در قالب آرزوهایش برای فرزند متجلی شده است:

لالا لالا به مشهد آی

به پای تخت حضرت آی

اگر حضرت بفرماید

تو جاروکش مرقد آی

لالالالا به صحرا شی

به پای تخت زهرا شی

اگر زهرا بفرماید

غلام شه رضا بشی

(ضرغامی، مشهد، ۱۳۸۴)

- کارآواها

از کارآواهایی که در آن‌ها به حضرت امام رضا علیه‌السلام اشاره شده باشد به نمونه‌های زیر اشاره می‌شود. در این کارآوا اشتیاق و شور زیارت و امیدواری به وصال به چشم می‌خورد:

چرخه‌ریسی می‌کنم با شور و شین
آرزو دارم برم قبر حسین
چرخه‌ریسی می‌کنم با صد نوا
تا شوم من زایر قبر رضا
یا رب تو مرا به کربلا داخل کن
یا رب تو گناه همه را باطل کن
یا رب برسان مرا به هنگام بلا
دستم به ضریح و مرقد شاه رضا
(جعفرزاده دستجردی، قم، ۱۳۸۸)

این کارآوا که مخصوص زنان ریسنده است نشان می‌دهد که این زنان چگونه با هر نخی که می‌ریسیدند اشتیاق و آرزومندی خود را می‌تیندند و به امید زیارت روزها را سپری می‌کردند. در نمونه زیر دلتنگی برای زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در فضای حزن‌آلود تصویر شده است:

شاه علی مرتضی شاید به فریادمان رسد
ای دلبرم امام رضا کن حاجتم را تو روا
امشب از پرده دل آن همه فریاد کنم
تا مگر رضا به فریاد دل ما برسد

(ابن علی، کاشان، ۱۳۸۸)

- مولودی خوانی

مولودی خوانی‌ها هم که در زمان ولادت حضرت امام رضا علیه السلام انجام می‌شود از این نمادها بهره می‌برند. به قسمتی از یک مولودی خوانی اشاره می‌شود:

امشب پیغمبر از جنان خوشحال و خندان آمد
زیرا که مولود شهنش از «خراسان» آمد
جواب: امام رضا خوش آمد / یار غریبان آمد

(رحمتی، شاهرود، ۱۳۸۸)

- نوحه‌ها

در سالروز شهادت آن حضرت هم این نمادها درد عاشقان امام علیه السلام را فریاد می‌کنند:

فاطمه خیرالنساء، دختر خیرالولا

موکنان مویه‌کنان بر سر زنان باشد روان

گه مدینه گه به طوس گه به دشت کربلا

حضرت خیرالنساء، دختر خیرالولا

این شب قتل است امشب با فغان و با نوا

زوجه شیر خدا اندر سه جا دارد عزا

گه مدینه گه به طوس گاهی شهید کربلا

فاطمه خیرالنساء، دختر خیرالولا

اندرین شب او سیه پوشیده با فغان و شین

می‌شود نازل به سان مه تابان از سما

فاطمه خیرالنساء، دختر خیرالولا

همرهش باشد حوا، آسیه با مریمش

با خدیجه با جناب ساده فرخ‌لقا

فاطمه خیرالنساء، دختر خیرالولا

آید اول با دو چشم تر سر قبر رسول

قبر احمد را سیه پوشان کند ماتم سرا

فاطمه خیرالنساء، دختر خیرالولا

می کند با قبر پیغمبر ز سوز دل خطاب

که ای پور شه کشته فرزندات حسین در نی نوا

آید و قبر رضا را می کند چون جان سیر

بعد از آن سازد سیه پوش ضریح را

فاطمه خیرالنساء، دختر خیرالولا

(همان)

جمع بندی

آیین‌ها و نمادهای مربوط به حضرت امام رضا علیه السلام نوعی اتصال به ائمه معصومین علیهم السلام و از این طریق به خداوند را فراهم می‌آورند. زیارت حرم حضرت امام رضا علیه السلام نوعی برآوردن نیاز به عبادت در یک فضای معنوی را مهیا می‌سازد. همین کنش معنوی، رفتارها و مناسک مذهبی را حول تبرک جویی، شفاخواهی، توسل جویی، شفاعت طلبی و آرزومندی ایجاد می‌کند. زایر پس از مشرف شدن به آستان رضوی، اعتبار و جایگاه معنوی خاصی پیدا می‌کند. این موقعیت، نور امید را به زندگی زایر می‌تاباند و قلب او را مالا مال از شمع و شور معنوی می‌کند. در کنار این آیین‌ها و کارکردهای معنویشان، نمادها قرار دارند. نمادها به عنوان باورها و اعتقادات در منظومه فرهنگی هر ملتی کارویژه‌های متفاوتی از جمله معنا بخشی به زندگی، همبستگی اجتماعی، هویت بخشی و انسجام دینی ایجاد می‌کنند. بررسی این مفاهیم نشان می‌دهد که حضور حضرت امام رضا علیه السلام در خاک ایران فرصت عظیم معنوی را برای مردم ایران ایجاد کرده تا بتوانند نهایت ارادت، عشق و علاقه خود را به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله ابراز نمایند.

منابع

۱. برنز، پیتر.م (۱۳۸۵) درآمدی بر مردم‌شناسی گردشگری، ترجمه هاجر هوشمند، تهران: افکار و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
۲. ظریفیان، الهام (بازنویسی) (۱۳۸۷) راهنمای جامع اماکن متبرکه؛ حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام، مشهد: اداره کل روابط عمومی آستان قدس رضوی.

فرهنگیاران

- آزادبخت، مهدی، کوهدشت، لرستان، ۸۸/۸/۳
- ابن علی، کبری، برزک، کاشان، اصفهان، ۸۸/۳/۲۴
- اخوان، زهره، گل تپه، همدان، ۱۳۸۸
- امانی، غلام، بهبهان، خوزستان، ۵۲/۸/۸
- ایران‌پور مبارکه، امیر، مبارکه، لنجان، اصفهان، ۴۶/۲/۱۴
- بازوبندی، علی اکبر، گرماب، بازوبند، نیشابور، خراسان رضوی، ۵۲/۱۱/۲۱
- پروری، مرضیه، بروجرد، لرستان، ۱۳۸۸
- جعفرزاده دستجردی، مصطفی (به نقل از فضل‌الله جعفرزاده دستجردی و سیدرضا حسینی دستجردی)، کهک، قم، ۱۳۸۸
- حاتمی کندری، محمود، کاشمر، خراسان، ۱۳۸۸
- خدای، عین‌الله، اقلید، فارس، ۵۶/۹/۱۲
- خسرویان، عباسقلی (به نقل از حیدر خسرویان)، هونجان، اصفهان، ۴۸/۸/۲۸
- رحمتی، حسین، ابراهیم‌آباد زیدر، شاهرود، سمنان، ۱۳۸۸

- شفیعی، ماشاءالله، ورزنه، کوهپایه، اصفهان، ۵۷/۵/۲۵
- صابر، علیجان، اقلید، فارس، ۸۸/۴/۱۳
- صادقی، محمد، صغاد، آباد، فارس، ۵۰/۸/۲۶
- صفوی، میرقدیر، تاکستان، قزوین، ۸۸/۳/۷
- صمدی، مهرداد، مسجدسلیمان، خوزستان، ۴۸/۵/۳۰ و ۱۳۴۷
- ضرغامی، فروغ‌الزمان، قوچان، خراسان رضوی، ۸۴/۱۲/۴
- طاهرنیا، احمد (به نقل از سیدحسین علوی یثربی)، بناب، آذربایجان شرقی، ۸۸/۳/۱۵
- عمادی، عباسعلی (به نقل از محمدقلی سلیمانی) علی‌آباد، گرگان، گلستان، ۴۸/۱/۷
- فرجی، معصومه‌علی، هروآباد، خلخال، اردبیل، ۵۶/۹/۲۷
- قره‌داغی، ایرج، چنگیزقلعه، بیجار، کردستان، ۸۸/۳/۲۸
- کریمی، محمدمسعود، بهمن، آباد، فارس، ۴۷/۱۰/۷
- لونی، پرویز و میری، محمود، الیگودرز، لرستان، ۸۸/۴/۱
- محبی، علی‌محمد، صابین‌قلعه، زنجان، ۵۵/۳/۲
- مرتجی، ابوالفضل (به نقل از شیخ حسن مرتجی)، ساوه، مرکزی، ۴۸/۱۱/۶
- مصباحی، زیور، سنگسر، سمنان، ۴۹/۴/۲۳
- معلمی، خسرو، برازجان، بوشهر، ۱۳۸۸
- مهدوی، حوا، فیروزآباد، میبد، یزد، ۵۲/۱۲/۸
- یدایی، پروین، همدان، ۱۳۸۸